



سکه در گیلان

یوسف افتخاری مانی زیاری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاهی فرهنگ و تمدن گیلان

سکه در گیلان

سرشناسنامه	: افتخاری، یوسف ۱۳۶۲ -
عنوان و پدیدآور	: سکه در گیلان / یوسف افتخاری، مانی زیاری.
	ویراستار: هادی میرزائزاد موحد
	[به سفارش حوزه هنری گیلان]
مشخصات نشر	: رشت: فرهنگ ایلیا، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۱۷۸ ص.
فروست	: دانشنامه‌ی فرهنگ و تمدن گیلان ۷۶
شابک	: ۱ - ۶۵۵ - ۱۹۰ - ۹۶۴ - ۹۷۸
موضوع	: سکه‌شناسی -- ایران -- گیلان
	: سکه‌های باستانی -- ایران
	: سکه‌های اسلامی -- ایران
شناسه افزوده	: زیاری، مانی ۱۳۵۳ -
رده‌بندی کنگره	: CJ ۳۷۶۹
رده‌بندی دیویی	: ۷۳۷ / ۴۹۳۵
شماره کتابخانه ملی	: ۵۷۷۳۴۸۸



دانشگاهی فرهنگ و تمدن گیلان

سکه در گیلان

یوسف افتخاری

مانی زیاری



فهرست ابجد

● سکه در گیلان
● یوسف افتخاری مانی زیاری
● سرپرست مجموعه: فرامرز طالبی
● ویراستار: هادی میرزائزاد موحد
● چاپ نخست: ۱۳۹۸ ● شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه ● شماره نشر: ۷۴۲
● آماده‌سازی و نسخه‌برداری: کارگاه نشر فرهنگ‌ایلیا
● استفاده پژوهشی از این اثر با ذکر مأخذ آزاد است. هرگونه استفاده تجاری از این اثر، به هر شکل، بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع است.
● شابک: ۱ - ۶۵۵ - ۱۹۰ - ۹۶۴ - ۹۷۸
● نشر فرهنگ‌ایلیا؛ رشت، خ آزادگان، جنب دبیرستان بهشتی، خ صفایی، خ حاتم، شماره ۴۹
● تلفن: ۳۳۳۴۴۷۳۳ ۳۳۳۴۴۷۳۲ - ۰۱۳ ● دورنگار: ۳۳۳۲۱۸۲۸ - ۰۱۳
● پست الکترونیکی: Email:nashreilia@yahoo.com
● سایت‌های اطلاع‌رسانی: www.artguilan.ir, www.farhangeilia.ir

یادداشتِ شورای پژوهشی دانشنامه

ایران‌زمین، پهنه گسترده‌ای است با اقلیم‌ها، فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌های گوناگون. شناخت و معرفی این اقلیم‌ها، نقشی بسزا در شکل‌گیری فرهنگ ملی دارد.

دانشنامه فرهنگ و تمدن گیلان بر آن است تا با معرفی ویژگی‌های فرهنگی و طبیعی این بخش از سرزمین ایران، گامی کوچک در شناخت فرهنگ بومی و ملی بردارد.

این مجموعه با همراهی و همدلی گروهی از پژوهشگران فرهیخته و با همت حوزه هنری گیلان و دوستان‌مان در انتشارات فرهنگ‌ایلیا به سرانجام رسیده است. تلاش همه آنان را ارج می‌نهم.

فرامرز طالبی مسعودپورهادی
هادی میرزائزاد موحد



نشانی اینترنتی

www.artguilan.ir

مرکز پخش

۰۱۳ - ۳۳۳۴۵۵۷۱

۰۱۳ - ۳۳۳۶۵۵۲۴

یادداشت حوزه هنری گیلان

گیلان بی هیچ گزافه و گمان، یکی از کهن‌سال‌ترین زیستگاه‌ها و خاستگاه‌های فرزندان ایران‌زمین است. این سرزمین سحرانگیز و خرم چون رشک بهشت، فراخنای تاریخ ایران و فرازگاه تاریخ تشیع ایران است. گیلان از دیرین روزگاران، پناهگاه گریزندگان از ستم خلفا بوده و چه بسیار از دین‌داران و پناه‌آورانی که در این دیار بالیدند و با یاری مردمان آن، حکام جور و ستم را از تخت فروکشیدند.

این دیار همان دیاری است که علویان را از تیغ ستم خلفای اموی و عباسی پاس داشت، همان دیاری است که بیگانگان یونانی، عرب و ترک هرگز نتوانستند بر آن دست یازند و از آن باج ستانند.

ولی امروز از گیلان بزرگ چه مانده است جز نشانه‌هایی در دل کتاب‌های تاریخ و بناهایی که روبه ویرانی‌اند و یادها و نواحی در باورها و آیین‌ها و آوایی که بر زبان مردان و زنان این دیار به زیبایی نشسته‌اند و بر شیوه‌های زیست مردم این سامان دلالت دارند.

برای شناخت آنچه از این میراث بزرگ مانده است، باید گام‌های استوار برداشت و دستاورد پژوهش‌ها و تحقیقات اندیشمندان را گردآوری و به نسل جوان و نسلی که فردای این دیار از آن اوست، سپرد.

شناخت و بازکاوی این زوایای آشکار و پنهان از سال‌ها پیش اساسی‌ترین دغدغه فکری و فرهنگی ما بود و امروز دانشنامه فرهنگ و تمدن گیلان گامی کوچک ولی محکم در راستای رسیدن به این هدف است.

این مجموعه حاصل تحقیقات و پژوهش‌های جمعی از گیلان‌شناسان زبده است. پُر بی‌راه نیست که برنامه‌ریزان بتوانند از نتایج این مطالعات و پژوهش‌ها در روند توسعه فرهنگی، اجتماعی و حتی اقتصادی برای ترسیم چشم‌انداز آینده استان سود برند.

بر خود فرض می‌دانم از تمامی کوشندگان این کار سترگ، به‌ویژه محققان و پژوهندگان، ناشر گرامی و شورای محترم پژوهشی دانشنامه فرهنگ و تمدن گیلان تقدیر نمایم و سپاس‌گزار دوستانی باشم که مشوق ما برای ادامه این راه هستند.

غلام‌رضا قاسمی

فهرست

۱۱.....	پیشگفتار.....
۱۲.....	درآمد.....
۱۵.....	واحدهای پولی.....
۳۱.....	درم‌سرا، دارالضرب، ضراب‌خانه، سکه‌خانه.....
۳۹.....	سکه‌خانه‌های گیلان.....
۵۱.....	سکه‌های گیلان.....
۵۱.....	سکه‌های زیدیان گیلان (زیدیان هوسم).....
۵۷.....	سکه‌های جُستانیان (جُستانیان) در گیلان.....
۶۰.....	سکه‌های بوییان در گیلان.....
۶۲.....	سکه‌های رهبران آلموت (اسماعیلیان ززاری) در گیلان.....
۶۹.....	سکه‌های ایلخانان در گیلان.....
۷۵.....	سکه‌های جلایریان در گیلان.....
۷۷.....	سکه‌های کیاییان (آل‌کیا، حسینیان گیلان).....
۸۰.....	سکه‌های تیموریان در گیلان.....
۸۵.....	سکه‌های قراقویونلو در گیلان.....
۸۷.....	سکه‌های آق‌قویونلو در گیلان.....
۹۴.....	سکه‌های صفویان در گیلان.....
۱۱۴.....	سکه‌های افشاریان در گیلان.....
۱۱۸.....	سکه‌های زندیان در گیلان.....
۱۲۴.....	سکه‌های قاجاریان در گیلان.....
۱۵۹.....	سخن پایانی.....
۱۶۱.....	کتاب‌نامه.....
۱۶۸.....	نمایه.....
۱۷۲.....	چکیده انگلیسی.....

پیشگفتار

بکر بودن حوزه پژوهشی، سختی‌ها و جذابیت‌های دو چندان دارد. کتاب سکه در گیلان پدیدار نمی‌شد اگر یاری چندگانه‌ای در کار نبود. استقبال و همراهی جناب آقای هادی میرزائزاد موحد از نخستین گام‌های تعریف طرح؛ راهنمایی صبورانه استاد فرامرز طالبی که گام به گام و نکته به نکته با ما بود، فراموش نشدنی است. هم‌چنین می‌بایست سپاس خود را از حمایت‌های هم‌دلانه آقای محمد پرحلم، معاونت فرهنگی حوزه هنری استان گیلان و سرکارخانم دکتر مریم سادات فیاضی، استاد زبان‌شناسی پژوهشکده گیلان‌شناسی اعلام نماییم. استاد خوش‌نویس جناب آقای سیدعلی محمد میرمومنی که صبورانه وقت و دانش خود را در راستای شناسایی بهتر و دقیق‌تر خطوط نقر شده بر سکه‌ها در اختیارمان نهاد، ما را مدیون هنر خویش نمود. هم‌چنین سپاس‌گزار تمامی تلاشگران فرهنگی در نشر فرهنگ ایلیا هستیم.

آفرینش این اثر بازتاب عشق نگارندگان به این خطه سبز ایران‌زمین و مردمان مهربان گیلان است. نقدها و نظرها را برای برطرف کردن کاستی‌های احتمالی پژوهش از تمامی صاحب‌نظران و فرهیختگان به‌جان پذیراییم.

یوسف افتخاری - مانی زیاری

فروردین ۱۳۹۸

درآمد

چنین به نظر می‌رسد که مفهوم «سکه» در طول تاریخ دست‌خوش دگرگونی‌هایی بوده است. ابن‌خلدون در سدهٔ هشتم ه.ق. اظهار می‌دارد «سکه ابتدا نام مُهر آهنینی بود که برای ضرب به‌کار می‌رفت. سپس آن را بر اثری که از مُهر بر روی مسکوک‌ها پدید می‌آمد، اطلاق کردند و رفته‌رفته کلمهٔ سکه در عرف و اصطلاح دولت‌ها بدین مفهوم اختصاص یافت». دانش سکه‌شناسی به‌عنوان یکی از علوم میان‌رشته‌ای نقش مهمی در بازشناسی تاریخ و فرهنگ ملت‌ها دارد. داده‌هایی که از نقش پشت و روی سکه‌ها، نوشته‌ها و نیز جنس، عیار و محل ضرب آن‌ها به‌دست می‌آید، گواه روشن و ارزشمندی در شناسایی فرهنگ و تمدن هر سرزمین به‌شمار می‌رود و زمان فرمانروایی شاهان و حاکمان و بازشناسی دقیق تاریخ حکومت آنان را می‌توان از روی آن‌ها تعیین کرد؛ گاه تنها اسناد موجود در این زمینه، همین سکه‌ها هستند (جعفری دهقی، ۱۳۹۱: ۲۰).

از فروپاشی ساسانیان تا برآمدن دولت صفوی، فلات ایران نزدیک به هزار سال شاهد حکومت‌های ملوک‌الطوایفی و ظهور و سقوط دولت‌های مستعجلی بود که بخش جدایی‌ناپذیر این برهه از تاریخ نابه‌سامان ایران را رقم زدند. در چنین شرایطی، گوناگونی سکه‌های ضرب‌شده بسیار چشم‌گیر می‌شود و کار پژوهش‌گر را پیچیده‌تر می‌کند. گیلان گاه به‌سبب شرایط اقلیمی، بیش از دیگر نواحی ایران شاهد این فراز و نشیب‌های تاریخی بوده است و رد آن ماجراها را بر سکه‌های ضرب این دیار می‌توان یافت.

تاکنون، سکه‌ای که در دوران پیش از اسلام در گیلان ضرب شده باشد، معرفی نشده است. کهن‌ترین سکهٔ به‌جای مانده در گیلان، درهم سیمینی است که جعفر بن محمد النائر فی الله، فرمانروای زیدی گیلان، در سال ۳۳۵ ه.ق. در هوسم (رودسر) زده

است. معرفی سکه‌های ضرب گیلان، سکه‌خانه‌های گیلان و سیر تحولاتی که در این مسیر هویدا می‌شود، هدف اصلی این نوشتار است. محدوده جغرافیایی این پژوهش استان گیلان است و دوره زمانی آن پس از اسلام تا شروع ضرب سکه‌های ماشینی در زمان ناصرالدین شاه که سکه‌زنی در ولایات ایران منسوخ شد و تنها در پایتخت ادامه یافت. لازم به یادآوری است که پژوهشی مستقل در مورد سکه‌های ضرب گیلان برای نخستین بار است که صورت می‌پذیرد.

در این پژوهش فرض بر آن است که فرمانروایانی که در ادوار مختلف در گیلان یا بخش‌هایی از آن فرمان رانده‌اند، احتمالاً با مقاصد سیاسی و اقتصادی دست به ضرب سکه در این خطه زده‌اند. هم‌چنین میان این سکه‌ها با جغرافیای تاریخی گیلان ارتباطی منطقی برقرار است.

در کتاب‌های سکه‌شناسی که به سکه‌های ایران پس از اسلام پرداخته‌اند، گه‌گاه سکه‌های انگشت‌شماری که در شهری از شهرهای گیلان زده شده‌اند، به چشم می‌خورند. از این میان می‌توان به کتاب «سکه‌ها، نشان‌ها و مهرهای ایران (۱۵۰۰-۱۹۴۱)»^۱ اثر رابینو دی بورگوماله^۲، «سکه‌های شاهان ایران»^۳ اثر پول^۴، هر دو به زبان انگلیسی و «دارالضرب‌های ایران در دوره اسلامی» اثر ارزشمند عقیلی و کتاب «سکه‌های ایران در دوره اسلامی از آغاز تا برآمدن سلجوقیان» اثر رضایی باغبیدی به زبان فارسی و هم‌چنین کاتالوگ‌های موزه‌ای همانند کتاب «سکه‌های ایران زمین» به‌کوشش شریعت‌زاده که به معرفی سکه‌های موزه ملی ملک پرداخته است، اشاره کرد. روش دسته‌بندی سکه‌ها در بیشتر این کتاب‌ها براساس طبقه‌بندی تاریخی دودمان‌ها است و هیچ‌یک از آثار فوق نه به‌صورت اختصاص کل نوشتار و نه حتی اختصاص گفتاری از آن، به سکه‌های گیلان نپرداخته‌اند.

ضرورت اصلی انجام این پژوهش در ارتباط تاریخ و سکه‌ها به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابع دست اول تاریخ بود. سکه‌های دارای نام فرمانروا و سکه‌خانه و به‌ویژه، سکه‌های تاریخ‌دار، بهترین اسناد برای روشن ساختن گوشه‌هایی از گذشته‌اند

1. Coins, Medals and Seals of the Shahs of Iran (1500-1941).

2. H. L. Rabino di Borgomale.

3. The Coins of the Shahs of Persia, Safavis, Afghans, Efscharis, Zands and Kajars.

4. Poole.

که تاریخ تا حدود زیادی در مورد آن‌ها سکوت کرده است. هم‌چنین جای خالی پژوهشی مستقل درباره سکه‌های تاریخی استان گیلان، نیاز به این پژوهش را بیش از پیش برجسته‌تر می‌کرد.

دسترسی بسیار سخت یا گاه ناممکن به تصویری از سکه‌های موجود در موزه‌ها و آگاهی از آن‌ها؛ تهیه دشوار کتاب‌های گاه نایاب سکه‌شناسی درباره سکه‌های ایران پس از اسلام و هم‌چنین زمان‌بر بودن پژوهشی جامع و مانع در زمینه سکه‌های محلی از جمله مشکلات فراوان بر سر راه این پژوهش بود.

تصاویر سکه‌ها از منابع منتشر شده‌ای چون کتاب «سکه‌های شاهان ایران»^۱ اثر رجینالد استوارت پول^۲ و سکه‌های موجود در موزه‌های جهان هم‌چون موزه بریتانیا^۳ در انگلستان و موزه دیویدز^۴ در کپنهاک اخذ شده است. افزون بر این از تصاویر سکه‌های به حراج در آمده در حراجی‌های معتبر و نیز مجموعه‌های خصوصی استفاده شده است. لازم به یاد آوری است که اصالت سکه‌های به نمایش در آمده در این پژوهش مورد تایید نگارندگان است.

در این رساله، به این پرسش‌ها پاسخ داده شد: نخستین و واپسین سکه‌ها که نام گیلان یا بخشی از آن را بر خود دارند کدامند؟ کدام دودمان و یا فرمانروا در چه نقطه از گیلان اقدام به ضرب سکه کرده‌اند؟ ویژگی‌های این سکه‌ها از نظر وزن، جنس و اندازه چیست؟ هر سکه براساس چه واحد پولی و در چه تاریخی ضرب شده است؟ در پایان لازم به ذکر است، هر تصویر شامل دو قسمت است؛ در سمت راست، نوشته و نگاره روی سکه و در سمت چپ، نوشته و نگاره پشت آن دیده می‌شود. هم‌چنین، برای وضوح بهتر، در سرتاسر پژوهش تصاویر سکه‌ها ۱/۵ برابر اندازه واقعی نمایش داده شده است.

1. The Coins of the Shahs of Persia, Safavis, Afghans, Efsharis, Zands and Kajars.

2. Reginald Stuart Poole.

3. The British Museum.

4. Davids Samlung.

واحدهای پولی

سکه یک تکه فلز به وزن معین است که روی آن نشان رسمی دولت یا حکومتی که عیار و وزن آن را تعهد می‌کرد، منقوش شده است. پیش از اختراع و ایجاد سکه با وزن درست و مقدار معین فلز، ارتباط تجاری و داد و ستد مردم از راه مبادله و معامله پایاپای صورت می‌گرفته است (افتخاری، ۱۳۹۳: ۱).

نخستین سکه‌ها برای داد و ستد زده شدند. زمینه‌های اقتصادی و تجاری و نیاز به اوزان مشخص در تجارت، دلایل اصلی اختراع سکه بوده‌اند.

روایت‌های کهن و تاریخی در مورد اختراع سکه یا کهن‌ترین مملکتی که در آن برای نخستین بار سکه ضرب شده، گوناگون است و دانشمندان سکه‌شناسی مآخذ تحقیقات خود را نوشته‌های محققان قرار داده و آنچه را که به راستی نزدیک‌تر و پسندیده‌تر به نظر می‌آید، پذیرفته‌اند. پولوکس^۱ مورخ دورهٔ امپراتور کومود که به همهٔ مرجع‌های درست آن روزگار رسیدگی کرده است، با تردید نظرهای گوناگون در مورد اختراع سکه را شرح داده است؛ بنابه گفتهٔ او ممکن است پادشاه آرگوس^۲ به نام فیدن^۳ نخستین کسی باشد که سکه‌های اژین^۴ را که طرح لاک‌پشت دریایی روی آن است، زده باشد، یا دمودیسه^۵ دختر آگامنون^۶ که زن پادشاه فریگیه^۷ است. کسنوفون لودیهایا^۸ را به این عنوان معرفی می‌کند (ملک‌زاده بیانی، ۱۳۸۹: ۱۸). هرودوت می‌گوید: «لودیه‌ای‌ها نخستین مردمی هستند که سکه زر و سیم زدند و آن را به کار بردند» (Herodotus, I.94). دانشمندان سکه‌شناسی بیشتر نظر هرودوت و کسنوفون^۹ را پذیرفته‌اند.

1. Pollux.

2. Argos.

3. Phidon.

4. Aegina.

5. Demodice.

6. Agamemnon.

7. Phrygia.

8. Lydians.

9. Xenophon.

دریک^۱ و شیکل^۲

با ایجاد شاهنشاهی هخامنشی، ایران گذشته از نقش فعال بازرگانی، با در دست داشتن جاده‌های گدزی (ترانزیتی) مهم، نقش واسطه را هم میان جهان شرق و غرب به دست آورد. با ضرب سکه در ایران، مبادلات بازرگانی بین‌المللی آسان‌تر و سریع‌تر شد و این تحولی بزرگ در تجارت بود. سکه قدمتی بیش از این تاریخ داشت (بیانی، ۱۳۸۶: ۱۹۷-۱۹۸). سکه‌ها به‌طور کلی در سرزمین‌های غربی امپراتوری هخامنشی تولید می‌شدند.

نخستین پنج سال شاهی داریوش به سرکوب شورش‌هایی در بخش‌های گوناگون امپراتوری پهنار وی سپری شد، و تا سال ۵۱۶ پ.م. وی زمان کافی برای پرداختن به سامان‌دهی کشور نداشت (Head, 1877: 23). نخستین سکه‌های هخامنشی را کمی پس از ۵۱۵ پ.م. زدند (Afram, 1994: 1). در ابتدا سکه‌های دریک داریوش وزنی معادل ۸/۰۹ گرم داشتند که هم‌وزن سکه‌های کروزوسی سبک لودییه بودند (Bivar, 1985: 610). پس از اصلاحات وزنی داریوش، دریک زرین پیرامون ۸/۳۳ گرم شد و شیکل سیمین نیز ۵/۵۵ گرم. کسنوفون هر دریک زرین را ۲۰ برابر شیکل سیمین نوشته است (Xenophon, I, vii.18).

اشکانیان سکه زرین نداشتند و تاکنون سکه اصیل زرین از دوره اشکانی یافت نشده است. سکه‌های زرین منتسب به آن‌ها یا سکه‌های تقلیدی اقوام کوچ‌نشین هم‌زمان (اولبریخت، ۱۳۹۲: ۱۸) و یا سکه‌های جعلی ملدن هستند (آلرام، ۱۳۹۲: ۵۸۲). سینسی (Sinisi, 2011: 276)، جعفری دهقی (۱۳۹۱: ۲۴) و گویل (۱۳۹۱: ۱۰۹) نیز با اطمینان بیان نموده‌اند که اشکانیان هرگز اقدام به ضرب سکه زر نکرده‌اند.

درهم^۳، ابول^۴ و کالکو^۵

سکه‌های سیمین اشکانی شامل چهاردرهم^۶، سه‌درهم^۷، درهم^۸، نیم‌درهم^۹، دو‌ابول^{۱۰} و ابول می‌شدند. یکای سکه اشکانی و رایج‌ترین سکه‌شان درهم سیمین بود که پیرامون

1. Daric.
2. Siglos.
3. Drachm.
4. Obol.
5. Chalkous.
6. Tetradrachm.
7. Tridrachm.
8. Hemidrachm.
9. Diobol.

۴ گرم وزن داشت. درهم از واژه در اخم یونانی گرفته شده بود که در آغاز واحد وزن بود و سپس پول رایج دنیای باستان شد. سکه‌های مفرغی هم کالکو نام داشتند که شامل یکاهای یک کالکو، دو کالکو، چهار کالکو و هشت کالکو می‌شد. وزن کالکوها در آغاز پیرامون ۲ گرم بود که چون ارزش مادی بسیار کمتری نسب به سکه‌های سیمین داشتند، وزن‌شان دقیق نبود. هر هشت کالکوی مفرغی برابر یک ابول سیمین ارزش داشت؛ یعنی هر درهم ۴۸ کالکو بود (افتخاری، ۱۳۹۶: ۱).

دینار، درهم، دانگ^۱، شیشیز

در مورد وزن و جنس سکه‌ها، ساسانیان نخست سنت‌های موجود را نگه داشتند. درهم سیمین برابر وزن سکه‌های آتیک که در دوره اشکانیان نیز در همه‌جا رایج‌ترین سکه بود، واحد اصلی سکه‌های دولت ساسانی شد. در سراسر [یش از] چهار سده فرمانروایی ساسانیان، هم وزن درهم که می‌توان گفت دقیقاً چهار گرم بود و هم عیار فلز آن به‌خوبی حفظ شد. سکه‌های نیم گرمی تنها در آغاز یافت می‌شدند و ضرب آن‌ها نوآوری در سکه‌زنی بود اما بعدها ضرب آن‌ها متوقف شد. دانگ‌ها و نیم‌دانگ‌ها عمدتاً در ارتباط با تفویض و اعطای منصب سکه‌های ویژه‌ای هستند، زیرا سکه‌هایی هستند که برای دادن عطایا و پراکندن در میان مردم به‌کار می‌رفتند. چهاردرهمی‌های ناسره (آلیاژ کم عیار سیم) که میراث دوره اشکانی بود و در پادشاهی اردشیر یکم هنوز به تعداد فراوان زده می‌شد، در پادشاهی بهرام دوم (آخرین نمونه شناخته‌شده) متوقف شد. پس از کوشش‌های نخستین برای ایجاد واحد سکه مسین (شیشیز) با عیار بالا و نیز دارای خرده سکه‌های مسی کوچک‌تر، فلز مس کمابیش جایگاه خود را به‌عنوان فلزی رسمی برای سکه‌زنی از دست می‌دهد. از این پس، سکه‌های مسین مانند سکه‌های سیمین کوچک برای مقاصد تشریفاتی به‌کار می‌روند. چنان‌که بعداً در دوره اسلامی نیز پیش آمده، نیازهای شهریان به پول خرد را تماماً با سکه‌های مسین دوره اشکانی که هنوز در گردش بود و مرکب از سکه‌های اشکانی و حتی هلنیستی بود، برآورده می‌کردند. با ازسرگیری سنت هخامنشی، ساسانیان با ضرب سکه‌های زرین که

۱. برابر ابول اشکانی؛ گاهی از دانگ در معنی قسمتی از دینار یا درم، اراده ارزش آن به نسبت عیار و بار کنند. دانگی از دینار یا درم، شش یک دینار و یا درم است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۰۴۰۴).

اشکانیان آن‌ها را به کار نمی‌بردند (کمتر از سر رقابت با امپراتوران روم که ذخایر زر داشتند و بیشتر چون نیازی به آن نمی‌دیدند) ضرب آن را دوباره زنده کردند. اما در دوره ساسانی زر را عمدتاً برای آوازه و اعتبار و زدن سکه‌های پزرزق و برق و نمایشی به کار می‌بردند که در بسیاری موارد به نمونه‌های ویژه‌ای از انواع سکه‌های رومی پیوستگی داشت. این سکه‌ها عبارتند از دینار (از نام دناریوس آوریوس)^۱ که برابر است با آوریوس رومی؛ و دینار نووژن که برابر است با سولیدوس (از روزگار کنستانتین بزرگ) که در نتیجه آن ضرب دینارهای قدیم با ۱/۵ برابر وزن دینارهای تازه ادامه یافت. سکه‌های یک سوم دینار و خرده‌های دیگر دینار پس از یزدگرد یکم دیده شدند و افزون بر آن سکه یک ششم دینار زرین از زمان کواد یکم موجود است. رسم سکه‌زنی از جنس زر که شماری از شاهان ساسانی هم به آن اقدام نکردند، آن‌چنان که بایسته است مورد بررسی قرار نگرفته و از این‌رو نمی‌توان در مورد آن اظهار نظر قطعی کرد. در این میان دینارهای بهرام ششم که آشکارا از سکه‌های بیزانسی اثر پذیرفته‌اند، موردی غیر عادی هستند. پس از خسرو دوم [به استثنای یک مورد در زمان شه‌بانو بوران] زدن سکه‌های زرین متوقف می‌شود (Göbl, 2006: 328-329).

دینار و درهم پس از اسلام

هنگامی که تازیان به ایران آمدند، سکه‌هایی را که خود زده باشند به ایران نیاوردند. مهاجمان عرب در سال‌های نخست پس از فتح سرزمین‌های امپراتوری‌های بیزانس و ساسانی از پول رایج این سرزمین‌ها استفاده می‌کردند که عبارت بودند از سولیدوس یا دناریوس آوریوس که سکه زرین بیزانس بود و فولیس که جنس آن از مس بود و در فلسطین و سوریه رواج داشت و درهم ساسانی که مسکوکی سیمین و در مشرق رایج بود. با گذشت سال‌هایی اندک، ولات عرب ایران سکه‌زنی را به تقلید از درهم‌ها آغاز کردند و سکه‌هایی زدند که از همان هنگام درهم نام گرفت (مایلز، ۱۳۹۰: ۳۱۵).

با وجودی که عبدالملک در سال‌های میان ۷۷ و ۷۹ ق. / ۶۹۶ و ۶۹۹ م. (با اندکی تاخیر در نواحی ایران) اصلاح بنیادی در سکه‌زنی به وجود آورد، در مجموع به امحای بازنمایی‌های تصویری در بیشتر نواحی امپراتوری اسلام منجر شد؛ با این همه،

نمونه‌های ساسانی و نیمه‌ساسانی چندین نسل در نواحی دوردست دوام آوردند. برای نمونه در ناحیه کوهستانی طبرستان، والیان عباسی در ربع چهارم سده دوم هجری، درهم‌های نوع ساسانی را با عیار کم‌تر، رواج دادند. اصلاحاتی که عبدالملک در سکه‌ها وارد کرد با سکه‌های زرین در سال ۷۷ هجری آغاز شد و دو سال بعد سکه‌خانه‌های ایران، عراق و دمشق، تختگاه خلافت اموی در سوریه، به ضرب درهم‌های بدون تصویر پرداختند که رفته‌رفته متداول‌ترین سکه در خاور نزدیک و خاورمیانه شد و مقلد بود که نه تنها بر سکه‌های بیزانس، بلکه حتی بر پول اروپای غربی هم اثر بگذارد. توجه به این نکته جالب است که تعداد دوسوم سکه‌خانه‌هایی که پس از اصلاح در ضرب سکه در آن‌ها سکه درهم می‌زدند، همان سکه‌خانه‌هایی بودند که در آن‌ها درهم‌هایی عرب-ساسانی ضرب می‌شد. تنها کار دو یا سه سکه‌خانه (ارجان، مروالرو و زنجان) که سکه نوع عرب-ساسانی می‌زدند، متوقف شد. هم‌نواختی شگفت‌آور سبک درهم‌های پس از اصلاح، از اسپانیا تا مشرق خراسان و افغانستان، موجب شد تا برخی بر این عقیده باشند که به احتمال اگر نه سکه‌ها، دست‌کم بیش‌تر قالب‌های سکه‌زنی در یک یا دو کارگاه مرکزی ساخته می‌شد. زیاد شدن تعداد سکه‌خانه‌ها پس از سال ۷۹ هجری بر اعتبار این نظریه می‌افزاید؛ اما در این مرحله از اشغال ایران و عراق از سوی تازیان، قالب‌سازان و فن‌آوران کارآمد دیگری که همه این سکه‌خانه‌های نوپیدا را به کار می‌انداختند از کجا پیدا شدند؟ (مایلز، ۱۳۹۰: ۳۱۹-۳۲۰)

دینار و درهم تا چند سده واحد‌های پولی رایج ایران و کشورهای همسایه آن بودند. با ورود ترکان به ایران و دودمان‌های پس از آن‌ها، واحد‌های پولی متنوع دیگری معرفی شدند. تاورنیه جمعاً نه بار از ایران دیدن می‌کند و آخرین سفرش در ۶ دسامبر ۱۶۶۸ م. ۲۱ رجب ۱۰۷۹ ق. با بازگشت به پاریس به پایان می‌رسد. در سفرنامه وی می‌خوانیم: «عیار سکه‌های نقره ایران خیلی بیشتر از سکه‌های نقره ماست اما سکه طلا، به جز دوکا^۱ که از اروپا می‌آورند، در آن‌جا وجود ندارد؛ زیرا شاهان ایران سکه طلا ضرب نمی‌کنند مگر تعدادی که در روز تاج‌گذاری به طرف مردم می‌اندازند و این سکه‌ها در میان تجار رواج و قیمتی ثابت ندارد، گاه بیشتر و گاه کمتر می‌ارزد» (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۳۸۱). به همین علت، سکه‌های طلا گاه در میان مردم و

مبلغی در خزانه و نزد صراف‌ها وجود دارد. بیشتر مردم سکه‌های طلای خود را نزد صراف می‌برند و با پول رایج عوض می‌کنند. در ایران، هم شمش، هم مسکوک و هم ظروف نقره را قبول می‌کنند. همین که مسافری وارد ایران می‌شود، موظف است که هر قدر نقره داشته باشد اعلام کند تا اسم شاه در آن مسکوک شود و اگر کسی اعلام نکند و کشف بشود، جریمه گزافی از او دریافت می‌کنند. روسای ضراب‌خانه هر ناحیه‌ای اصرار دارند که نقره مسافرین در شهری که محل کار ایشان است، سکه شود. تاورنیه می‌نویسد که در ایران چهار نوع سکه نقره رواج دارد که عبارتند از عباسی، محمودی، شاهی، بیستی. اما بیستی حالا خیلی کم است. تمام این سکه‌ها نقره مدور هستند به استثنای بیستی که بیضی شکل است (راوندی، ۱۳۶۴: ۴۷۸).

شاردن هم که میان سال‌های ۱۶۶۵ تا ۱۶۷۸ م. از ایران دیدن کرده است، مشاهداتی مشابه تاورنیه دارد: «تمام پرداخت‌ها با نقره (مسکوک) صورت می‌گیرد، طلا در تجارت هیچ‌گونه دخالتی ندارد. هر یک کیسه پول بازرگانان ایرانی، محتوی پنجاه تومان است که دوهزار و پانصد عباسی [نقره] می‌باشد» (شاردن، ۱۳۳۶: ۳۷۵). «ایرانیان هیچ‌گونه سکه زرین ندارند؛ زیرا قطعات طلایی که به نشان شاه زده می‌شود، معمولاً هنگام جلوس به تخت سلطنت و در جشن نوروز مسکوک می‌گردد» (شاردن، ۱۳۳۶: ۳۸۳).

در مورد واحد سکه زرین افشاری، از همان آغاز، هر اشرفی زر برابر مثقال شرعی (۳/۴۵۶ گرم) زر نهاده شد. واحد دیگر سکه‌های زرین مهور بود که در سرزمین‌های شرق ایران مانند هند و افغانستان آن زمان رایج بود و وزن آن پیرامون ۱۱ گرم بود. سکه مهور نخستین بار توسط فریدخان شیرشاه سوری در زمان فرمانروایی‌اش در هند (۱۵۴۰-۱۵۴۵ م.) معرفی شد و وزن آن ۱۶۹ گندم (۱۰/۹۵ گرم) بود. سکه مهور زرین در ایران به مهر اشرفی معروف شد (افتخاری، ۱۳۹۴: ۶۰).

اشرفی زرین

اشرفی زرین هر سکه طلایی ایران بود که نام دیگر کتابی‌اش «درست» است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۶۳۵). آن را اشرف (۷۴۴-۷۵۸ ه.ق.) یکی از امیران دودمان چوپانیان، زده بود و چون عیار آن بسیار بود، در آغاز مردم آن را برنمی‌داشتند و به همین جهت در آن زمان شاعری سروده است:

دیدنی که چه کرد اشرف خر؟ خود مظلومه برد و دیگری زر

(نفیسی، ۱۳۸۳: ۶۹۲).

در دوران قاجار تومان را اشرفی نیز می‌خواندند (شهزادی فراهانی، ۱۳۸۰: ۷۵). در واقع در اواخر دوران سلطنت فتحعلی شاه، وزن تومان به ۳/۴۵ گرم یعنی برابر وزن اشرفی کاهش یافت. ۳/۴۵ گرم برابر یک مثقال شرعی است (نک: جدول‌های ۱-۲ و ۳-۲).

جدول ۱-۲. وزن تقریبی اشرفی زرین و اجزای آن

(بسنجید با Krause and Mishler, 2000: 821-825 و Krause and Mishler, 1993: 654-655)

استاندارد سنگین (عباس یکم)	استاندارد یک مثقال شرعی (صفوی-افشار)	*
۳/۹۰ گرم	۳/۴۵۶ گرم	اشرفی
-	۱/۷۲۸ گرم	نیم‌اشرفی
-	۰/۸۶۴ گرم	ربع‌اشرفی

مُهراشرفی زرین

مُهراشرفی یا مُهور واحد جدید سکه زرین بود که نادرشاه پس از فتح هندوستان آن را با خود به ارمغان آورد. هر مُهراشرفی برابر ۱۶۹ گندم^۱، یعنی ۱۰/۹۵ گرم وزن داشت (جدول ۲-۲). این واحد در زمان آقا محمدخان قاجار جای خود را به تومان زرین داد. آخرین سکه‌ها براساس وزن مُهراشرفی را در سال ۱۲۰۰ ه.ق. و نخستین سکه‌ها بر اساس وزن تومان را در سال ۱۲۰۱ ه.ق. زدند (Krause and Mishler, 1993: 654-655).

جدول ۲-۲. وزن تقریبی مُهراشرفی زرین اجزای آن (نک: افتخاری، ۱۳۹۴: ۶۰)

مُهراشرفی	۱۰/۹۵ گرم	یک‌دهم مُهراشرفی	۱/۰۹ گرم
یک‌چهارم مُهراشرفی	۲/۷۴ گرم	یک‌دوازدهم مُهراشرفی	۰/۹۱ گرم
یک‌ششم مُهراشرفی	۱/۸۲ گرم		

تومان زرین

تومان واژه‌ای مغولی به معنی ده هزار است. ده قران سکه، ده هزار دینار (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۷۵۵). تومان تا زمان ناصرالدین شاه سکه‌ای بوده است زرین و برابر با ده هزار دینار که در زمان قاجار اجزای متعددی از آن ضرب می‌شده؛ مانند ربع تومانی، نیم تومانی، یک تومانی، دو تومانی، پنج تومانی، ده تومانی، بیست و پنج تومانی و پنجاه تومانی (نک: شهیازی فراهانی، ۱۳۸۰: ۸۵).

کشورستانی زرین

فتحعلی شاه فرمان داد سکه‌هایی از زر به وزن هجده نخود^۱ با عبارت «سکه فتحعلی‌شاه خسرو کشورستان» بزنند که در میان مردم به کشورستانی مشهور شدند. سکه‌های کشورستانی پس از مرگ فتحعلی‌شاه منسوخ گشتند. آخرین سکه کشورستانی تاریخ ۱۲۵۰ ه.ق. بر خود دارد (شهیازی فراهانی، ۱۳۸۰: ۱۰۴). کشورستانی در واقع هم وزن تومان کاهش وزن داده بود و به سبب عبارتی که بر خود داشت به کشورستانی معروف شد.

جدول ۲-۳. وزن تقریبی تومان زرین و اجزای آن

(نک: Krause and Mishler, 1993: 654-655 و Cuthaj, 2012: 773-795)

نخستین استاندارد (آقا محمدخان)	۸/۲۰ گرم
دومین استاندارد (فتحعلی شاه)	۶/۱۴ گرم
سومین استاندارد (فتحعلی شاه)	۵/۷۶ گرم (۳۰ نخود ^۲)
چهارمین استاندارد (فتحعلی شاه)	۵/۳۷ گرم
پنجمین استاندارد (فتحعلی شاه)	۴/۸۰ گرم (۲۵ نخود)
ششمین استاندارد (فتحعلی شاه)	۴/۶۱ گرم (مثقال صیرفی = ۲۴ نخود)
هفتمین استاندارد (فتحعلی شاه)	۳/۴۵ گرم (مثقال شرعی = ۱۸ نخود)
هشتمین استاندارد (محمد شاه)	۳/۸۴ گرم (۲۰ نخود)
نهمین استاندارد (محمد شاه)	۳/۴۵ گرم (مثقال شرعی = ۱۸ نخود)

۱. برابر با مثقال شرعی. مثقال شرعی ۱۸ نخود و برابر ۳/۴۵۶ گرم است و مثقال صیرفی یا معمولی ۲۴ نخود است و ۴/۶۰۸ گرم وزن دارد (نک: دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۳۳۹۰).

۲. نخود یک بیست و چهارم مثقال (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۳۳۹۰) و برابر ۰/۱۹۲ گرم است.